

بینش معنوی - ۶۷

مهدی کمپانی زارع

خدا به روایت مولانا

مکتب
نشر

خداہ روایت مولانا

مؤلف

مهدی کمپانی زارع

ناشر: نشر معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
تأليف: و صفحہ آرای: حروفچینی هما (امید سید کاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحیفہ: قر / چاپ اول: ۱۳۹۵ / شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۳۸-۰

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلات - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه : کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور : خدا به روایت مولانا / مهدی کمپانی زارع.
مشخصات نشر : تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۲۱۷ ص.
فروست : بینش معنوی؛ ۶۷.
شابک : 978-964-9940-38-0
وضیعت فهرست نویسی : فپیا.
موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. - معلومات - خدا.
موضوع : خدا در ادبیات.
رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ک ۸ خ / ۵۳۰۷ PIR
رده بندی دیویی : ۸۱ / ۳۱ ف
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۷۳۵۲۶

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: شناخت خدا و سخن گفتن از او
۱۱	مقدمه
۱۹	تنزیه و تشبیه
۲۵	سخن پایانی
۲۶	• پی نوشت ها
۲۹	فصل دوم: راه های شناخت خداوند
۴۹	• پی نوشت ها
۵۳	فصل سوم: اثبات وجود خدا
۵۳	مقدمه
۵۴	امکان وجود خدا و رد امتناع آن
۵۸	جایگاه الهیات عقلی (طبیعی) در بحث از خدا
۶۰	سیری در ادله اثبات وجود خدا
۶۲	الف) استدلال از طریق اصل دلیل کافی
۶۵	ب) برهان حدوث و قدم
۶۶	ج) برهان نظم
۶۷	د) برهان حرکت

۶۸ • پی‌نوشت‌ها

۶۹ فصل چهارم: توحید

۶۹ مقدمه

۷۶ مراتب توحید

۷۹ اقسام توحید

۸۷ وحدت وجود

۹۵ تعالی و ظهور

۱۰۲ • پی‌نوشت‌ها

۱۰۷ فصل پنجم: اسماء و صفات خدا

۱۱۲ الف) الله

۱۱۶ ب) رحمان و رحیم (رحمت)

۱۲۴ پ) حق، محیی

۱۳۴ ت) غنی، مُغنی (بی‌نیاز و بی‌نیازساز)

۱۴۲ ث) قادر، قدیر، مقتدر

۱۴۸ ج) عالم، علیم، سمیع، بصیر

۱۵۱ چ) الرزاق، الرزاق

۱۶۴ ح) عادل، عدل

۱۷۱ خ) کریم

۱۷۸ سخن آخر

۱۷۹ • پی‌نوشت‌ها

۱۸۹ فصل ششم: خدا و مسأله شر

۱۸۹ مقدمه

۲۰۴ • پی‌نوشت‌ها

۲۰۷ □ منابع

۲۱۵ □ نمایه اعلام

پیشگفتار

نگارنده این سطر رمدت هاست که درگیر دو طرح گسترده و درازدامن است و پیرامون آنها نوشته‌ها را ارائه کرده و انشاءالله ارائه خواهد کرد. طرح نخست وی به مولانا جلال‌الدین بلخی، عارف شایسته و شگفت فرهنگ اسلامی-ایرانی و اندیشه‌ها و آثار وی و آبخورهای مورد رجوعش مربوط است و طرح دوم به تاریخ و فرهنگ شیعه، درباره طرح نخست تاکنون پنج اثر - متن نوشته و عرضه شده که به این قرار است:

۱. **حیات معنوی مولوی:** به بحث از زندگی سراسر معنای مولانا از کودکی تا وفات اختصاص یافته و در آن نکات بدیع و جدید بسیاری ذکر شده و در عین توجه و احترام به نوشته‌های پیشین، انتقادات مستندی به آنها شده است.

۲. **مولانا و مسائل وجودی انسان:** محور اصلی آن برخیز از مسائل وجودی انسان مانند تنهایی، غم و شادی، ایمان و... است. در این کتاب تفسیر تازه‌ای از نام مولانا ارائه شده و گفته‌ایم که این نام نه خلاصهٔ مثنوی است و نه مشتق از آن. مقاصد آن، بلکه شرطنامه‌ای است برای ورود به مثنوی و آثار مولانا. در این کتاب همچنین از مواجهه مولانا با فلسفه و کلام عقلی و فیلسوفان و متکلمان نیز سخن رفته است.

۳. **مولانا و معنای زندگی:** به بحث از معنای زندگی از منظر مولانا پرداخته است. در این کتاب معنای «معنا» و «زندگی» از منظری بررسی شده و گفته شده که مولانا علاوه بر هدفمندی و ارزشمندی، به معنایی دیگر از معنا نیز توجه دارد که مختص نگاه عارفانه است. البته در این کتاب به این توجه شده که بحث اصلی در مبحث معنای زندگی، زندگی است که در بیشتر مباحث جدید، مغفول واقع می‌شود.

۴. مولانا و مدرسه عشق: کتابی است هفتصد صفحه‌ای که برای نخستین بار به نحو مستقل و جامعی به بیان مختصات عشق از منظر مولانا پرداخته است. در این کتاب علاوه بر معانی عشق نزد مولانا به بحث رابطه عشق و زیبایی و اقسام عشق و شخصیت عاشق و معشوق و تأثیرات عشق بر عاشق و رابطه عقل و عشق پرداخته شده است.

۵. مولانا و اخلاقی زیستن: به بحث از چیستی اخلاق نزد مولانا و عوامل یاری‌رسان به حیات اخلاقی و موانع اخلاقی زیستن و نیز مهمترین فضائل و رذایل نفسان از منظری می‌پردازد. در پایان این کتاب فصلی مفصل به بحث از چیستی و گداز ادب نزد مولانا که امری نزدیک به اخلاق، اما متمایز از آن است، اختصاص یافته است.

علاوه بر این پنج اثر تألیفی، نگارنده به تصحیح مثنوی معنوی و حرکت‌گذاری و ارائه توضیحاتی مختص برای فهم آن اهتمام نموده است. در سه کتاب تراوی آخدخو، ابلیس، عاشق یا فاسق؟، رنگارنگی از گیل‌گمش تا کامو نیز فصل‌های مستقلی به بیان اندیشه مولانا درباره ابلیس، مردان، پیش اختصاص یافته و حتی می‌توان گفت کسی که نخستین بار صاحب این قلم را به این دست بحث متوجه و علاقه‌مند کرد، مولانا است و گویی هسته اولیه این کتاب در درس و بحث پیرامون دیدگاه‌های مولانا شکل گرفت و مابقی کتاب به دنبال آن هسته، پرداخته شد. در راستای شناخت اندیشه‌های مولانا نگارنده بر این باور است که پس از کتاب خدا و انسان به میر (ص) و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، هیچ‌کس به اندازه ابو حامد غزالی و شمس تبریزی بر وی تأثیر نگذاشته است؛ از این رو حقیر مدتی است که به آثار غزالی و مقالات شمس تبریزی اهتمام خاص دارم. از غزالی دو رساله را ترجمه و شرح کرده‌ام؛ یکی رساله «سبأ مهم المنقذ من الضلال» که به نام حیات فکری غزالی به طبع رسیده و دیگری رساله «کم بطیر جواهر القرآن» که آن نیز به ضمیمه دیدگاه مولانا درباره قرآن کریم ارائه شده است. ترجمه و شرح دیگر رساله‌های غزالی نیز در دستور کار است. همچنین مدتی است به اندیشه‌های شمس تبریزی متمرکز شده‌ام و علاوه بر نگارش کتاب مستقلی در این باب به نوشتن شرح و توضیحی مفصل بر مقالات وی می‌اندیشم.

پس از این گزارش باید بگویم از همان ابتدای مطالعه آثار مولانا همواره می‌دیدم و می‌اندیشیدم که کانون همه سخنان این عارف ژرف‌نگر و شیرین‌سخن، خداست. او از

معنا مرادی جز خدا ندارد و اخلاقی زیستن را خداخواه شدن می‌داند و از مرگبِ عشق برای رسیدن به خدا استفاده می‌کند و مرگ را راهی برای رسیدن به خدا می‌داند. . . .

همه چیز در مولانا به خدا ختم می‌شود. سراسر مثنوی را که می‌خوانی یادِ خدا موج می‌زند و ذکر خدا می‌رود. وقتی موضوع بحث خدا نیست، موضع بحث خداست و می‌کوشد به هر شیوه و بهانه‌ای خلق را به حق تعالی متوجه و علاقه‌مند سازد. شیوه‌های وی در بحث از خدا کثرت شگفتی دارد. گاه او در هیأت متکلمان و فیلسوفان به میدان عقل می‌آید، بر وجود خدا و معقولیت هستی آن استدلال می‌کند و با منکران به بازوی استدلال، هم‌رندی می‌نماید و گاه خائفی خدا ترس می‌شود و خود و خلق را چونان آهویی در مصاف شکار شتر شترزه می‌داند و حزم و ادب را توصیه می‌کند. گاه نیز با وقوف به ضعف‌های بشر، از زبانِ خدای موسی (ع) به پشتیبانی چوپان ساده‌دل بر می‌آید و همان سخنان شکسته‌سنت را که خالی از ادب است، معذور و حتی مقبول می‌داند. گاه به اسماء الهی ما را متوجه می‌کند و از رحمان و کریم و رازق و . . . سخن می‌گوید و معنا و مواجهه مطلوب با آنها را به ما می‌آموزد. گاه نیز عاشق شیدایی می‌شود و خداوند متعال را زیبایی و محبت محض می‌داند و با او در عشق می‌بازد و می‌گوید هر چه جز عشق خداوند است، جان‌گدنی بیش نیست و گاه رازی ای است دردعا و گاه . . . او از همه این شیوه‌ها هیچ مرادی جز صلاهی خداجوی و دعوت مردم به سوی حق ندارد و کیست که نداند قرن‌هاست مردم به توفیق شیوه‌ها، راهی برده‌اند و حق را به کلام او شناخته‌اند. خدای مولانا محبوب زنده‌ای است که در گفته‌ها و روش‌ها با پندگاران سخن از سبقت رحمت خود بر غضبش می‌گوید و حتی در کوره‌های آتش نیز به دنبال خالص و پاک کردن خلق است. خدای مولانا مونس همه اوقات و احوال از جمله وحشت تنهایی و مرگ است و با حضورش خانه دل، همواره روشن و گرم است و زیر و برش آن عالم نیز واقعه‌ای چندان مهم به نظر نمی‌آید. خدای مولانا هر چند غنی است، اما از خلق استغنا نمی‌جوید و دمی نظر رحمت و توجه خود را از ایشان نمی‌ستاند. کتاب پیش رو تصویری است از شیوه‌ها و صبغه‌های خداشناسی مولانا که گاه بوی کلام و فلسفه دارد و گاه بوی قرآن و حدیث و گاه بوی عشق و مستی و . . . بر سر سفره خداشناسی مولانا هر کس بهره خود را خواهد برد و او به تعبیر خودش ناطق کاملی است که بر سر خوانش ز هر خوردنی‌ای یافت می‌شود. کسانی که به دنبال عاشقانه‌های مولانا درباره خداوند و

توصیف جمال و رحمت وی اند، بایستی بیشتر در فصل پنجم بنگرند. صاحب این قلم در این نوشته نیز به دنبال معرفی دیدگاه‌های مولانا است و اگر از جای دیگر سخنی آورد همه در راستای فهم کلام اوست. در این اثر نیز تلاش شده که میان مولانا و مخاطبانش مانع نشویم و با تدوین و تبویب و تحلیل مطالب، باری از دوششان برداریم. در اینجا اصالت اندیشه‌های مولانا در راستای زمینه فکری اش به دقت مد نظر بوده است. امید است که خداوند غنی کریم این اثر را غنا و کرامت بخشد و در دل مخاطبانش نوری از خرد بآورد. دعای این بنده با خدای خود در پایان نگارش این اثر چنین است:

ای خداوند! این خُم و کوزه‌ی مرا در پذیر از فضل «الله اشتری»
چه آن دازد گراز فرخندگی در پذیری تو مرا در بندگی؟

۲۱ شهریور ۱۳۹۴

شیراز

مهدی کمپانی زارع